



## جایگاه تقویم قمری در اسلام

**شبهه:** آیا می توان گفت که از نظر اسلام، تقویم مورد پسند خدا، تقویم قمری است نه تقویم شمسی؟ تقویم قمری چه مزیتی دارد که در اسلام به آن اهمیت داده شده است؟

پاسخ: یکی از نعمت‌های الهی که قرآن‌کریم بر آن تأکید کرده، نظام منظم زمان و حرکت دقیق اجرام آسمانی است. آیه شریفه «و اسکافنده صیغ است»؛ شب و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است؛ این، اندازه‌گیری خداوند توانای داناست.»<sup>[۱]</sup>شمان‌می دهد که خداوند خورشید و ماه را برای حساب زمان و نظم‌بخشیدن به زندگی بشر قرار داده است. در این میان، اگرچه از منظر طبیعی و علمی، هم خورشید و هم ماه برای تعیین زمان، کاربرد دارند، اما آنچه از مجموعه آیات قرآن و سنت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) برمی‌آید، این است که تقویم قمری، در حوزه دین و عبادات اسلامی، تقویم مورد تأیید خدا است و خداوند آن را معیار و مبنای مناسبات شرعی قرار داده است، بی‌آنکه تقویم‌های دیگر مانند شمسی یا میلادی را مردود یا غیرشرعی معرفی کند. در ادامه در قالب نکاتی به توضیح این مطلب می‌پردازیم.

**گروهی از مفسران و اندیشمندان بر این باورند که انتخاب تقویم قمری در اسلام تنها از باب تطابق با فرهنگ زمانه نبوده است، بلکه ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که آن را برای کارکرد دینی مناسب‌تر می‌سازد.**

**نکته اول:** تأیید تقویم قمری در قرآن
خداوند در قرآن، ماههای قمری را به‌عنوان معیار زمان‌بندی در امور عبادی معرفی کرده‌است. آیاتی همچون:

- «دربارِه هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است.»<sup>[۲]</sup>
- «و این بی‌صراحت اشاره دارد که هلال‌های ماه، وسیله‌ای برای تعیین وقت عبادات، ازجمله حج هستند. در آیه دیگر نیز به این مطلب اشاره شده که حج در ماههای قمری مشخص است. (حج، در ماه‌های معینی است؛ و کسانی که با بیستن احرام و شروع به مناسک حج)، حج را بر خود فرض کرده‌اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست.»<sup>[۳]</sup>

• «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد) این، آیین ثابت و پایرجای (الهی) است! بنابراین، در این ماه‌ها به خود ستم نکندید (و از هرگونه خونریزی بپرهیزید) و…»<sup>[۴]</sup>
در این آیه، شمار ماه‌ها نزد خداوند، دوازده عدد است؛ و در ادامه، سه چهار ماه حرام (ذی‌القیعد، ذی‌الحجه، محرم و رجب)<sup>[۵]</sup> اشاره می‌شود که هدف از تشریح و امضای آن، جلوگیری از جنگ‌های طولانی‌مدت در میان انسان‌ها است. وقتی چهار ماه خونریزی و جنگ ممنوع می‌شود، فرصتی برای تفکر و گفت‌وگو و صلح ایجاد می‌گردد. این چهارماه، ماه‌های قمری مشخص در میان اعراب بودند و ازاینجا روشن می‌شود که منظور از دوازده ماه نزد خدا در ابتدای آیه نیز ماه‌های قمری است.

• «روزه در چند روز معدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن‌کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بردارد؛ و آن‌کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به‌جای آن، روزه بگیرد.»<sup>[۶]</sup>

رخ داده است و خداوند دستور داده که مردم در این ماه روزه‌دار باشند؛ مگر اینچنین مسافر و بیمار شوند.

در این‌جا، نام معیار زمان و در آفرینش، هم شامل ماه است و هم خورشید، ولی در حوزه شرعی و مناسک دینی، قرآن تنها تقویم قمری را مبنا قرار داده است.

**نکته دوم:** آیا تأیید تقویم قمری صرفاً امضای فرهنگ جاهلی است؟

برخی معتقدند قرآن صرفاً تقویم رایج زمان نزول خود، یعنی تقویم قمری رایج در میان عرب جاهلی را به رسمیت شناخته و این به معنای تقدس یا ترویج ذاتی آن تقویم نیست، به عبارتی، چون مردم آن زمان از تقویم قمری استفاده می‌کردند، قرآن نیز همان را تأیید کرده تا درک و اجرای احکام آسانتر باشد.

اما در برابر این دیدگاه، گروهی از مفسران و اندیشمندان<sup>[۷]</sup> بر این باورند که انتخاب تقویم قمری در اسلام تنها از باب تطابق با فرهنگ زمانه نبوده است، بلکه ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که آن را برای کارکرد دینی مناسب‌تر می‌سازد:

• **قابلیت عمومی و مردمی‌بودن:**

رویت هلال، امری است که برای عموم مردم ممکن است. نیازی به محاسبات پیچیده نجومی یا ابزار دقیق ندارد. حتی افراد روستایی یا کسانی که در مناطق دور‌دست زندگی می‌کنند، می‌توانند با چشم غیرمسلح ماه را ببینند و بر اساس آن، تکلیف دینی خود را مشخص کنند.

• **انتعاف‌پذیری جهانی:**

تقویم قمری با گردش در فصول مختلف، عبادات را به همه زمان‌های سال می‌کنشاند. این امر، روزه در ماه رمضان ممکن است در تابستان یا زمستان قرار گیرد و این، نوعی عدالت طبیعی در میان ملت‌ها ایجاد می‌کند. برخلاف تقویم شمسی که برخی عبادات، در یک فصل خاص، محدود می‌مانند.

**اصل معیار زمان در آفرینش، هم شامل ماه است و هم خورشید، ولی در حوزه شرعی و مناسک دینی، قرآن تنها تقویم قمری را مبنا قرار داده است.**

• **ارتباط مستقیم با طبیعت:**

حرکت ماه و رویت آن، انسان را به پدیده‌های طبیعی متوجه می‌کند. هر ماه، با طلوع و غروب‌های متفاوت ماه، پیامی از گذر زمان دارد. در واقع، تقویم قمری انسان را به طبیعت نزدیک‌تر می‌سازد.

**نتیجه‌گیری**

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که اسلام تقویم قمری را برای عبادات و احکام شرعی، تقویمی مورد تأیید و مشروع می‌داند. با این حال، استفاده از تقویم شمسی یا میلادی ممکن است بتدریج موجب آنها نیز استفاده کنیم.

البته با توجه به اینکه عبادات اسلامی ازجمله روزه، حج، عید قربان و عید فطر همگی بر اساس تقویم قمری هستند، حفظ و به کارگیری این تقویم، به حفظ هویت و انسجام دینی مسلمانان کمک می‌کند.

استفاده صرف از تقویم شمسی یا میلادی ممکن است بتدریج موجب کمرنگ‌شدن این پیوند دینی شود.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. انعام، آیه ۹۶.
۲. بقره، آیه ۱۸۹.
۳. بقره، آیه ۱۹۷.
۴. توبه، آیه ۳۶.

۵. مجلسی، معجم‌المباقر، ج۱۷،الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.، ج ۵۵، ص ۳۳۹.

۶. بقره، آیه ۱۸۵.

۷. برای مطالعه بیشتر، رک: نصیری گیاجی، علی، تقویم قمری و اراده حکیمانه الهی، لینک: https://nasirigliani.ir/speeches/۱۵۹۶

• **میثم شادپور**

در روایات دینی، ثواب فراوانی برای احیاء و شب زنده‌داری بیان شده است از این‌رو لازم است دانسته شود که منظور از شب زنده‌داری چیست؟ و از منظر روایات چه اعمالی بیشتر برای شب زنده‌داری توصیه شده‌اند.

در ادامه اعمال و عباداتی که برای مطلق شب زنده‌داری در روایات آمده، بیان می‌شود.
**الف. چپستی شب زنده‌داری**
شب زنده‌داری یعنی بیدار ماندن در شب برای عبادت خداوند جهت رسیدن به قرب الهی. از شب زنده‌داری با عبارت «سهر» در روایات یاد شده است.

گاهی نیز شب زنده‌داری به معنای «بیدار شدن در شب، پس از مقداری خوابیدن»، آمده است که با اصطلاح «تهجد» از آن یاد می‌شود. این دو، گرچه یکی نیستند ولی قرین و ملازم یکدیگر بوده و به جای هم به کار می‌روند بنابراین از شب زنده‌داری به صورت مطلق، می‌توان هر دو را اراده کرد.<sup>[۱]</sup>

**ب. اعمال توصیه شده برای شب زنده‌داری**

برخی اعمالی که در روایات دینی از آنها به عنوان عبادات و تهجد شبانه آمده‌اند، عبارت است از:

۱. **نماز شب**

مهم‌ترین عملی که برای عبادت شبانه از آن یاد شده، نماز شب است. قرآن کریم، پیامبر(صلی‌الله علیه و آله) را به شب زنده‌داری و انجام نماز شب، امر کرده است: «و پاسی از شب را از خواب برخیز و [ا نماز بخوان! امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.»<sup>[۲]</sup>

در روایتی از رسول خدا(ص) آمده است: «لَا سَهْرَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْأَخْرَهَ إِلَّا رَجْدٌ رَجْلَيْنِ مَضَلَّ أَوْ مُتَأَمِّرٌ؛ بیدار ماندن بعد از نماز عشاء روا نیست مگر برای دو کس: کسی که نماز می‌گذارد و کسی که مسافر باشد.» آنچه از ظاهر این حدیث بر می‌آید، مطلق نماز شب به عنوان عمل شبانه، توصیه شده است.

۲. **قرائت قرآن**

عمل دیگری که در شب زنده‌داری بر آن تأکید شده، قرائت قرآن است. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «شب را جز اندکی ابرای نماز و عبادت ا برخیز، نیمی از شب یا اندکی از آن بکاه،

**۴. در کنار والدین بودن و خدمتگزاری به آنها**

یکی از اعمالی که از آن به عنوان عبادت شبانه یاد شده و دارای ثواب فراوانی است بیداری جهت خدمت به والدین است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «أَتَى رَسُولَ اللَّهِ(صلی‌الله علیه و آله) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي زَاغِبٌ فِي الْجِهَادِ نَشِيطٌ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ فَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّكَ إِن تَقَتَّلْتَ تَكُنَّ حَيًّا عِنْدَ اللَّهِ تَرِزُّقٌ وَإِنْ مَتَّتَ فَقَدْ وَفَّعَ أَحْرَكَ عَلَيَّ

# شب زنده‌داری و اعمال آن



**وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا وَبخشی از شب را در برابر خدا سجده کن**
سوره انسان-آیه ۲۶

**نخستین گروهی از مفسران و اندیشمندان بر این باورند که انتخاب تقویم قمری در اسلام تنها از باب تطابق با فرهنگ زمانه نبوده است، بلکه ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که آن را برای کارکرد دینی مناسب‌تر می‌سازد.**

**نکته اول:** تأیید تقویم قمری در قرآن
خداوند در قرآن، ماههای قمری را به‌عنوان معیار زمان‌بندی در امور عبادی معرفی کرده‌است. آیاتی همچون:

**گروهی از مفسران و اندیشمندان بر این باورند که انتخاب تقویم قمری در اسلام تنها از باب تطابق با فرهنگ زمانه نبوده است، بلکه ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که آن را برای کارکرد دینی مناسب‌تر می‌سازد:**

• «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد) این، آیین ثابت و پایرجای (الهی) است! بنابراین، در این ماه‌ها به خود ستم نکندید (و از هرگونه خونریزی بپرهیزید) و…»<sup>[۴]</sup>
در این آیه، شمار ماه‌ها نزد خداوند، دوازده عدد است؛ و در ادامه، سه چهار ماه حرام (ذی‌القیعد، ذی‌الحجه، محرم و رجب)<sup>[۵]</sup> اشاره می‌شود که هدف از تشریح و امضای آن، جلوگیری از جنگ‌های طولانی‌مدت در میان انسان‌ها است. وقتی چهار ماه خونریزی و جنگ ممنوع می‌شود، فرصتی برای تفکر و گفت‌وگو و صلح ایجاد می‌گردد. این چهارماه، ماه‌های قمری مشخص در میان اعراب بودند و ازاینجا روشن می‌شود که منظور از دوازده ماه نزد خدا در ابتدای آیه نیز ماه‌های قمری است.

• «روزه در چند روز معدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن‌کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بردارد؛ و آن‌کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به‌جای آن، روزه بگیرد.»<sup>[۶]</sup>

رخ داده است و خداوند دستور داده که مردم در این ماه روزه‌دار باشند؛ مگر اینچنین مسافر و بیمار شوند.

در این‌جا، نام معیار زمان و در آفرینش، هم شامل ماه است و هم خورشید، ولی در حوزه شرعی و مناسک دینی، قرآن تنها تقویم قمری را مبنا قرار داده است.

**نکته دوم:** آیا تأیید تقویم قمری صرفاً امضای فرهنگ جاهلی است؟

برخی معتقدند قرآن صرفاً تقویم رایج زمان نزول خود، یعنی تقویم قمری رایج در میان عرب جاهلی را به رسمیت شناخته و این به معنای تقدس یا ترویج ذاتی آن تقویم نیست، به عبارتی، چون مردم آن زمان از تقویم قمری استفاده می‌کردند، قرآن نیز همان را تأیید کرده تا درک و اجرای احکام آسانتر باشد.

اما در برابر این دیدگاه، گروهی از مفسران و اندیشمندان<sup>[۷]</sup> بر این باورند که انتخاب تقویم قمری در اسلام تنها از باب تطابق با فرهنگ زمانه نبوده است، بلکه ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که آن را برای کارکرد دینی مناسب‌تر می‌سازد:

• **قابلیت عمومی و مردمی‌بودن:**

فَيْعَطِي سَوْئَلَهُ<sup>[۱]</sup>؛ خدای تعالی ندا کننده‌های دارد که در شب‌های جمعه از ابتدای شب و در بقیه شب‌ها در بخش سوم شب، به آسمان دنیا آمده و فریاد می‌زنند آیا توبه‌کننده‌های هست که توبه او را جواب دهم، آیا استغفار کننده‌های هست که او را ببامرزم، آیا درخواست کننده‌های هست که حاجت و نیاز او را برآورده سازم.»

امیرمؤمنان(ع) درسپاره طلب استغفار در سحرگاهان می‌فرماید: «طوبی لنفسِ أدَّتِ إلی رَهْطَا فُرْطَهَا وَ عَزَّتْ بِجَنبِهَا يُوسِبُهَا وَ هَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ غَمُضَهَا حَتَّى إِذَا غَلَبَ الْكُرَى عَلَیْهَا، اقْتَرَشَتْ أَرْضَهَا وَ تَوَسَّدَتْ كَهْفَهَا فِي مِعْشَرِ سَهْرٍ عُبُوبُهُمْ خَوْفَ مَعَادِهِمْ وَ تَجَافَتْ عَن مَضَاجِعِهِمْ جُنُونُهُمْ وَ هَمَّيْمَتْ بِذِكْرِ رَهْمٍ شِفَاهُهُمْ وَ نَقَشَتْ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبَهُمْ، أولئک جزبَ اللهُ، الاَلاَئِ حَزَبَ اللهُ هُمُ الْمُغْلَقُونَ<sup>[۲]</sup>؛ خوشا به حال آن کس که فریضه پروردگارش را به جای آوزد و بر سختی‌ها و ناملایمات صبر کرد و خواب را از دیدگاهش دور ساخت و اگر خواب بر او چیره آمد، زمین را بستر خود کرد و دستش را بالمش. آنان که خوف روز رستاخیز چشمانشان را بیدار نگه داشت و پهلوهایشان را از بسترهای راحتشان دور کرد و لب‌هایشان به ذکر پروردگارش زمرمه کرد و از کثرت استغفارشان، گناهانشان زدوده شد؛ اینان حزب خدایند و بداندیک که حزب خدا پیروز است.»

۷. **مطلق بیداری در راه رضای خدا**

برخی روایات، مطلق بیداری که برای رضای الهی انجام شود را توصیه کرده‌اند. امام باقر(ع) می‌فرماید: «كُلَّ عَيْنٍ يَأْكِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَيْرَ ثَلَاثِ عَيْنٍ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ فَاضَتْ مِنْ خُشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ غَضَّتْ عَن حِمَامِهِ<sup>[۳]</sup>؛ هر چشمی روز قیامت گریان خواهد بود مگر سه چشم؛ چشمی که در راه خدا بیداری کند، چشمی که از ترس(عذاب) خدا اشک بریزد و چشمی که از آنچه حرام کرده فرو شسته شود.»

امام زین العابدین(ع) از خدای متعال چنین درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ! اجْعَلْنَا مَعَن ذَاهِمٍ الْإِرْتِيَاخِ إِلَيْكَ وَ الْخَيْبِئِ وَ ذَهْرَهَمَّ(دیدیْئهم ) الزَّفْرَهَ وَ الْأَيْسِنَ، جِبَاهَهُمْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ وَ عُيُوبَهُمْ سَاحِرَهَ فِي حِدْمَتِكَ<sup>[۴]</sup>؛ بار خدایا! ما را از کسانی قرار ده که روش آنان آرام گرفتن و شوق ورزیدن به توست و عمرشان به آه و ناله می‌گذرد، پیشانی‌هایشان در برابر عظمت تو به خاک می‌افتد و چشم‌هایشان در راه خدمت به تو بیدار است.»

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. رک: راجع اسفهانلی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، محقق‌لمصحح، داودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالانوار، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.ص، ۴، ۸۲۰.

۲.ابن‌سیرین، محمد بن علی، الخصال، محقق‌لمصحح، غفاری، علی‌اکبر، محمد، تهران، دار الکتب الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.ص، ۴، ۸.

۳.ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجفریات، تهران، مکتبه النبیوی الحدیثه، چاپ اول، بی‌تا، ص ۹۴.

۴. ابن‌عمران، آیه ۱۷.

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق‌لمصحح، موسوی جزایر، طیبی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۴۴ق.ص، ۲، ۲۰۴.

۶. شریف‌الرمی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، محقق‌لمصحح، صالح، صبحی، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق. نامه ۴.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق‌لمصحح، غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.ص، ۲، ۸۰.

۸. مجلسی، محمد باقر، بحسار الانوار، محقق‌لمصحح، جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.ص، ۹۱، ۱۶۸.

• **مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی**

جبرئیل و روح‌القدس را به سوسی او می‌فرستد تا آنان از انوار قدسی خویش بسر جانش بیابانند و این‌گونه است که از صلوات خاص این دسته از فرشتگان بهره می‌برد. (احزاب آیه ۴۳) در این راه عمل صالح به عنوان عامل جلب مهر و محبت و افزایش آن می‌تواند سهمی مهم و اساسی را ایفا کند که در آیه ۱۱ سوره طلاق بدان اشاره شده است. قرآن به عنوان کتاب الهی در بردارنده امور چند است و خود به‌سه عنوان نور می‌تواند می‌آورد. در این راه ایمان عامل نخست است؛ زیرا احدیت و الوهیت و ربوبیت و جایگاه آدمی و نیاز فطری وی به خدا آگاه سازد و ببینش و تشریحی خاص بخشد. افزون‌بر گزاره‌های شناختی قرآن آموزه‌های دستوری آن نیز می‌تواند راهنمای عمل صالح خوبی باشد تا در تشخیص عمل نیک از بد، وی را یاری رساند و این‌گونه است که اندک‌اندک می‌توانند خود را گام‌به‌گام از ظلمات چندگانه برهاند. (مانده آیات ۱۵ و ۱۶ و نیز ابراهیم آیه ۱) و حدید آیه ۹ و طلاق آیه ۱۱)

پیامبران نیز به عنوان راهنمای عینی و عملی و دستگیره‌های محکم، نقش بسزایی در این میان دارند که خداوند در آیه ۵ سوره ابراهیم به نقش موسی(ع) اشاره می‌کند. البته این نقش اختصاص به آن حضرت ندارد؛ و تنها به عنوان نمونه بیان شده است، در این راستا به نقش اصلی و اساسی پیامبر اکرم(ص) در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره مائده اشاره می‌شود که آن حضرت را به عنوان عامل مهم در جهت رهایی بشر از ظلمات معرفی می‌کند. آن حضرت(ص) و آموزه‌هایش نقش مهمی در این

**ظلمت معنوی عبارت از مشکلات، گرفتاری‌ها و پریشانی‌هایی است که عاقبت آنها تاریک و شوم است. اگر از جهل، شرک، کفر و نفاق تعبیر به ظلمت می‌شود بدین جهت است که عاقبتی شوم به دنبال دارد. کسی که بر اساس جهل حرکت می‌کند و بر پایه نادانی شرک می‌ورزد و یا کفر و نفاق را پیشه خود می‌سازد، در تاریکی‌ای گرفتار می‌شود که همه سرمایه‌های وجودی‌اش را از میان برده و فطری را در ذات خویش می‌میراند. این‌گونه است که در تاریکی واقعی افراد شرک‌ها از تاریکی حسی نیز سخت‌تر است.**

این صورت است که خداوند خود به شکل پیاپی بر او صلوات و درود می‌فرستد که به معنای ارسال فیض خاص خود به او و هدایتگری مستقیم از مقام ذات الوهیت است (بقره آیه ۲۵۷ و احزاب آیه ۴۳) در این هنگام است که خداوند برخی از فرشتگان که در مقام نور محض بهره بردارند چون

صفحه ۷

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴

۱۶ شوال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۳۳

## چراغ راه

**تشبیه قلب بدون قرآن و ایمان به گیاه حنظل**

**قال‌النبی(ص): «و اما القلب الذی لا قرآن فیه و لا ایمان، کالحنظلہ خبیث ریحها خبیث طعمها».**
پیامبر اکرم(ص) فرمود: قلبی که نه قرآن در آن است و نه ایمان، حنظل است که هم بویش خبیث است و هم طعمش.<sup>(۱)</sup>

۱- المستدرک، ج ۱، ص ۲۸۷

## حکایت خوبان

**علت جنمی شدن سه گروه زمامداران، قاریان و سرمایه‌داران**
پیامبر اکرم(ص) فرمود: آتش جهنم روز قیامت با سه دسته حرف می‌زند: ۱- زمامدار ۲- قاری قرآن ۳- سرمایه‌دار. به زمامدار می‌گوید: کسی که خدا به تو قدرت داد ولی به عدالت رفتار نکردی و سپس او را به کام خود فرو می‌برد مانند یک برنده قوی که دانه کنجد را می‌خورد، و به قاری می‌گوید: ای کسی که در پوشش قرائت قرآن خودنمایی و جلب توجه و عواطف کردی، ولی در اثر عمل نکردن به قرآن با خدا به مبارزه برخاستی و سپس او را روانه جهنم می‌کند. و به سرمایه‌دار می‌گوید: ای کسی که ثروت فراوانی به تو از زانی فرمود، ولی به خاطر بخلت حاضر نشدی حتی مقدار کمی از مال‌ت را در راه خدا فرض بدهی، و سپس او را به کام جهنم فرو می‌برد.<sup>(۲)</sup>

۱- المستدرک، ج ۱، ص ۲۹۱

### پرسش و پاسخ

**تفسیر و تأویل آیات قرآن (۲)**
**پرسش:**
**اگر قرآن برای هدایت همه مردم روی کره‌زمین نازل شده و به‌طور طبیعی برای همگان باید قابل فهم و درک باشد، چرا برخی عقیده دارند که فقط خدا و یا عده‌ای خاص می‌توانند آن را تفسیر و تأویل کنند، آیا این برداشت از قرآن نقض غرض الهی نیست؟**
**پاسخ:**
در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: تفاوت تفسیر و تأویل و محکم و متشابه برداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

**تفسیر مهم‌ترین آیه مشابه قرآن**
قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۷ می‌فرماید: «و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم»؛ تأویل آیات قرآن را جز خدا و راسخون در علم نمی‌دانند، در حالی که راسخون در علم می‌گویند ما به همه آن ایمان داریم و همه از طرف پروردگار ما است. اختلاف قرائتی که اینجا بر سر وقف کردن یا نکردن بعد از کلمه الله وجود دارد، مهم‌ترین و معنی‌دارترین اختلاف قرائت در سراسر قرآن و تاریخ فهم و تفسیر قرآن است. از نظر قواعد زبانی و نحو هر دو وجه قرائت جایز است: ۱- قرائت وقف؛ یعنی وقف بعد از کلمه الله که با چنین وقتی معنای آیه چنین می‌شود که تأویل منشایات را جز خداوند کسی نمی‌داند. در این قرائت «و الراسخون فی العلم» جمله‌ای مستأنفه (یعنی آغازین و مستقل) است و از نظر معنایی ربطی به جمله ماقبل ندارد. تقریباً همه أهل سنت، معتقد به قرائت وقف هستند، مانند: ابن‌کعب، ابن‌مسعود، فخر رازی، طبری، قرطبی و… و از میان اهل تشیع کسی قائل به قرائت وقف نیست.

یعنی «و الراسخون فی العلم» به الله عطف شده، معنای اصلی آیه چنین می‌شود که راسخان در علم هم تأویل منشایات را می‌دانند. بنابراین ترجمه آیه چنین می‌شود: «او کسی است که کتاب قرآن را بر تو نازل کرد که به بخشی از آن محکمات است که اساس کتاب است و بخش دیگر آن منشایات است. اما کیدلان برای فتنه‌جویی و در طلب تأویل (دلخواه خود از آن) پیگیری منشایات می‌شوند، حال آنکه تأویل آن را جز خداوند و راسخان در علم که می‌گویند آن را ایمان آوردیم، همه از پیشگاه خداوند است، نمی‌دانند و جز خردمندانی کسی نمی‌داند. بنابراین قائلان به قرائت عطف هم از میان اهل سنت هستند که عدلی از بزرگان آنها عبارت‌از: زمشخری، زرکشی، ابن‌ابی‌الحدیثه، الوسی و شیخ محمد عبده و هم اکثریت شیعه که در رأس آنها انتماطهار(ع) هستند که در حدیثی از امام صادق(ع) می‌فرماید:نحن الراسخون فی العلم، فنحن تعلم تأویله» ما راسخان در علمیم ولذا تأویل آن را می‌دانیم (کافی و تفسیر عیاشی) و بزرگانی دیگر مانند، قمی، عیاشی، شریف رضی و مرتضی، طبرسی، ملامحسن فیض، شیر و محمدجواد مغنیه.

۳- بی‌طرفان: «آیه سومی هستند که هر دو قرائت را جایز می‌دانند مانند: ابن‌عباس، ابن‌کتیر، شیخ طوسی، شوکانی و طباطبایی و…»

۱- مگر این آیات برای هدایت و تربیت مردم نازل نشده است، پس چگونه ممکن است حتی پیامبری که قرآن بر نازل شده از معنا و تأویل آن بی‌خبر باشد؟! آیا این نقض غرض الهی نیست؟
۲- همان‌طور که مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان می‌گوید، هیچ‌گاه در میان دانشمندان اسلام و مفسران قرآن دیده نشده است کسی از بحث درباره تفسیر آیه‌ای از قرآن خودداری کرده باشد و بگوید این آیه از آیاتی است که جز خدا معنی نهایی آن می‌داند، بلکه دالماً برای کشف اسرار و معانی قرآن همنی تلاش و کوشش داشته‌اند.
۳- قاریان فراوانی وجود دارد که در تفسیر این آیه نقل شده و همگی تأیید می‌کنند که راسخون در علم، تأویل آیات قرآن را می‌دانند، بنابراین قرائت آیه باید عطف بر کلمه الله باشد نه وقف!<sup>(تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴)</sup>
۴- از سیاق آیه برمی‌آید که از راسخان در علم باید انتظار دانستن تأویل قرآن را داشت نه ندانستن آن. زیرا اگر جمله «و الراسخون فی العلم» مستأنفه باشد نه عطف به الله، قید رسوخ در علم بی‌جا باشد. چرا که بسیاری از مومنین بی‌علم و سلیم‌الاعتقاد نیز می‌گویند: «هنک اکل من عند ربنا» زیرا چنین اعتقادی از ضروریات دین است و اختصاص به راسخان در علم ندارد.(قانون تفسیر، سیدعلی کمالی، ص ۳۱۴)
۵- در روایاتی که فرقی بین نقل کرده‌اند، پیامبر اکرم(ص) دعایی در حق ابن‌عباس قرآن‌شناس و صحابی جلیل‌القدر پیامبر(ص) کرده می‌فرماید: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التاویل»؛ بارپروردگار! او به دین‌پژوهی و تفقه در دین و تأویل آیات میآموزا که به صریح‌ترین وجه نشان می‌دهد که تأویل آموختنی است و به مدد فاضل و دانش و رسوخ در علم به دست می‌آید(همان، ص ۳۱۴) همچنین روایاتی از ابن‌عباس نقل شده که می‌گوید: من از نادانان تأویل قرآنم،(التمهید، محمدهادی مغنیه، ج ۲، ص ۴۸)

## سلوک عرفانه

زنان در طول تاریخ تنها مولد و زاینده مردان و پرورش‌دهنده جسم آنها نبوده‌اند، بلکه زاینده‌یخش و نیرودهنده و مکمل مردانگی آنها نیز بوده‌اند.<sup>(۱)</sup> قرآن می‌گوید: زمین و آسمان، ابر و باد و گیاه و حیوان همه برای انسان آفریده شده‌اند، اما هرگز نمی‌گویند: زنی برای مرد آفریده شده است، و سخن خود را به آیه شریفه مستند می‌نماید که می‌فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره- ۱۸۷) زنان جامعه عفاف شما هستند، و شما نیز لباس فتنه آنها هستید.<sup>(۲)</sup>

۱- آنچه اتفاق اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۲۵

۲- بقره، آیه ۱۸۵، تفسیر ابن‌عربی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۱۵